

بررسی تأثیر سبک زندگی بر سازمان فضایی خانه‌های روستای تاریخی - توریستی نمونه موردی: روستای کندوان از توابع استان آذربایجان شرقی^۱

ناهید رضایی

دانشجوی دکتری معماری دانشگاه هنرهای اسلامی تبریز، تبریز، ایران

فرزین حق پرست^۲

دانشیار دکتری معماری دانشگاه هنرهای اسلامی تبریز، تبریز، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۴/۲۵ تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۱۱

چکیده

سبک زندگی اصطلاحی است که در بطن خود مؤلفه‌های زیستی، اجتماعی-فرهنگی و معیشتی را می‌پروراند و تأثیرات عمیقی در الگوهای زندگی افراد جامعه می‌گذارد. یکی از مصادیق تجلی سبک زندگی، کیفیت فضای سکونت و سازمان فضایی است که به تبع آن معماری خانه تحت تأثیر قرار می‌گیرد. هدف اصلی پژوهش، بررسی اثر شیوه زندگی ساکنین محلی در عرصه معماری مسکن روستای کندوان در سه گروه کران‌های سنتی، کران‌های سنتی-معاصر و خانه‌های نوساز است؛ بنابراین این پژوهش بر اساس هدف کاربردی و از نوع توصیفی-تحلیلی است. پژوهش در دو سطح کتابخانه‌ای و میدانی انجام پذیرفت. در بخش میدانی، با منازل و ابعاد زندگی فردی و اجتماعی روستائیان، اطلاعات موردنیاز کسب شده است. نتایج پژوهش نشان داد که فضاهای زیستی و قدیمی روستای کندوان در جوابگویی به عملکردها شکل گرفته و تمامی فعالیت‌های تولیدی-معیشتی در کنار سایر فعالیت‌های زیستی و فرهنگی در فضای کران‌ها به فعلیت رسیده است. همچنین با نظر به تغییرات فرهنگی پیش آمده و توجه به مشاغل جدید چون گردشگری، فضاهای عملکردی کران‌ها از کارکردهای سابق فاصله گرفته و به فضاهای زیستی ساده مبدل شده است که سنخیت چندانی با رسوم و آداب محلی و معماری بومی ندارد. علاوه بر این‌ها، یافته‌ها نشان داد، تغییراتی این‌چنینی به دلیل موج معاصر سازی و مدیریت ناصحیح آسیب‌هایی گاه جبران‌ناپذیر بر معماری و بافت وارد ساخته است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود با توجه به شهرت روستای کندوان، ویژگی‌های کالبدی و عملکردی کران‌ها جهت احیاء و به کارگیری ظرفیت‌های محیطی و انسانی مدنظر قرار گیرد.

کلمات کلیدی: شیوه زندگی، سازمان فضایی مسکن، معماری صخره‌ای، روستای کندوان

۱- این مقاله برگرفته از درس ویژه ۲، دوره دکتری دانشگاه هنر اسلامی تبریز به راهنمایی دکتر فرزین حق پرست می‌باشد.

۲- نویسنده مسئول (f. haghparast@tabriziau. ac. ir)

مقدمه

معماری را می‌توان لباسی به قامت زندگی در نظر گرفت و طبعاً متناسب با هر کیفیت از زندگی، باید لباسی متناسب با آن قامت پدید آورد. پس با توجه به تحولاتی که در کیفیت زندگی اتفاق می‌افتد باید انتظار داشت که در کیفیت معماری نیز تغییراتی ایجاد شود (Dana & Lasch, 2014: 361). این مسئله را می‌توان از جهات مختلف بررسی کرد اما یکی از موارد جامع در این بحث "شیوی زندگی" است که از مهم‌ترین و مفیدترین ابزار سنجش برای درک رفتار ساکنان و به تبع آن شکل کالدهای مسکونی می‌باشد (Nair et al., 2015: 316). توجه به معماری برخاسته از شیوی زندگی و باورهای جامعه می‌تواند سبب افزایش تعلق به فضا و به‌طور کلی برآوردن نیازهای واقعی ساکنان شود. با بررسی و تحلیل مفهوم سبک زندگی، می‌توان از نگرش‌ها، هنجارها و ارزش‌های پنهان که در ذهن، باور و کردارهای افراد وجود دارد، اطلاع یافت و از جهت‌گیری‌ها و الگوهای موجود یا در حال شکل‌گیری، تفسیر و تصویر واقع-بینانه‌تری ارائه داد (Yang et al., 2014: 1153).

همچون همه جوامع در حال دگرگونی در دهه‌های اخیر، جامعه ایران نیز دچار دگرگونی و تغییر در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و بالطبع تغییر در شیوه زندگی شده است. روستاهای ایران به دلیل برخورداری از دستاورد و فناوری‌ها و تسهیلات ارتباطی، دوره گذار از سبک زندگی سنتی به سمت سبک زندگی نوین را تجربه می‌کنند (پوررمضان و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۱۵). نگاهی به سیمای روستاها، این مسئله را به‌خوبی نمایان می‌سازد. جهت‌گیری و تمایل مردم به سوی فرهنگ جدید باعث شده تا کالبد قدیمی جای خود را به کالبد جدید و شهری بدهد. با توجه به اهمیت ساخت‌وسازهای خانه‌های روستایی و تغییر سیمای روستاهای ایران در دهه‌های اخیر، مقاله حاضر به تحلیل خانه روستایی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی تأثیرگذار و متأثر از سبک زندگی جهت فهم کلیت زندگی روستایی می‌پردازد. در این نوشتار به جهت اهمیت ملی و جهانی بافت و معماری روستای کندوان، قصد بر این است تا به شناخت کافی از شیوه زندگی و کالبد مسکونی در این روستا از دوره سنتی تا معاصر دست یافته و سیر تحول الگوی مسکن و شیوه زندگی مورد ارزیابی قرار گیرد. با گذر زمان و تغییر شیوه یا سبک زندگی روستای کندوان تحت شرایط جدیدی از جمله توسعه امکانات و خدمات رفاهی، شکل خانه‌های این روستا نیز تغییر یافت و کم‌کم با مصالح و مواد ساختمانی مدرن ساخته شد. کران‌های کندوان که زمانی نشان از سنت‌های روستاییان و سبک زندگی آنان داشت، با تغییراتی که در کالبد خود پذیرفته، نه شبیه خانه روستایی مانند گذشته‌هاست و نه شبیه خانه‌های شهری. علاوه بر این، مسکنی نوساز نیز در روستا ساخته شده اند که تلفیق و ترکیب ناهماهنگ، نامتوازن و ناهمخوانی از کران‌های سنتی است. اما این تغییرات تنها در شکل و کالبد خانه‌ها خلاصه نشده است. با تغییر سبک زندگی و محیط خانه، روابط درون خانه‌ها و خانواده‌ها نیز دست نخورده نمانده است. روابط و ارزش‌های بورژوازی بتدریج بر روستاها غلبه یافته، به گونه‌ای که شهری شدن به مثابه نوعی ارزش بر روستا حاکم شده است. آنچه ما در این تحقیق بدان خواهیم پرداخت، بررسی سیر تحول الگوی کالبدی و شیوه زندگی و تاثیر متقابل آن‌ها از دوره سنتی به معاصر در روستای کندوان است. این روستا از ۷۰۰۰ سال پیش تداوم زندگی را حفظ کرده و با بیش‌تر شدن جمعیت، تدریجاً بر تعداد کران‌های مسکونی اضافه شده است. اما از چندین سال قبل، بدلیل گسترش روستا خانه‌هایی نوساز در روستا شکل گرفته است.

به منظور بررسی الگوی سکونت در گذر زمان در خانه‌های کندوان بر اساس الگوی کالبدی به سه دسته ۱- خانه-های سنتی، ۲- خانه‌های سنتی _ معاصر، ۳- خانه‌های معاصر تقسیم‌بندی گردید؛ خانه‌های سنتی: خانه‌های کاملاً سنتی (کران‌ها) که در شکل واقعی خودشان باقی مانده‌اند. خانه‌های سنتی - معاصر: کران‌هایی که تصویر کلی خانه-های سنتی را دارند اما با گذشت زمان و معاصر شدن تغییراتی پیدا کرده‌اند. خانه‌های معاصر: خانه‌های کاملاً معاصر با الگوی خانه‌سازی شهری

بنابراین پرسش‌های زیر هدف تحقیق قرار گرفت، الف: سیر تحول شیوه زندگی در کندوان به چه صورت بوده است؟ ب: شیوه زندگی چگونه در سازمان فضایی مساکن کندوان از دوره سنتی تا دوره معاصر تجلی یافته است؟

چارچوب نظری

اصطلاح سبک زندگی از دو واژه لایف و استایل تشکیل شده است. معنای واژه زندگی تا اندازه‌ای روشن است؛ اما مفهوم سبک (نوع یا روش) نیاز به توضیح دارد. در تعریف آن چنین آمده است: « شکل دادن یا طراحی چیزی تا بدین شیوه، جالب و جذاب بنظر آید. به عبارتی؛ کیفیت برتر در ظاهر، طراحی یا رفتار». در مورد معنای ترکیب «سبک زندگی» نیز چنین آمده است: « الگوهای مشخص نسبی کنش و فرهنگ که مردم را از یکدیگر تمایز می‌دهند» (کمبریج^۱، ۲۰۰۶). بطور کلی، این مفهوم الگوهای روابط اجتماعی را در بر می‌گیرد و حتی نگرش‌ها، ارزش‌ها و جهان‌بینی فرد و گروهی که عضو آن است را نیز باز می‌نمایاند (اوانس و جکسون^۲، ۲۰۰۷؛ بوکوک^۳، ۱۹۹۲). از نظر دوبریانونف^۴، این عرصه‌ها شامل فعالیت کاری، فعالیت سیاسی و عمومی، فعالیت فرهنگی و ارتباطی و زندگی روزمره و بازتولید زندگی می‌شوند. این آرا حاکی از دشوار بودن ارائه تعریفی جامع از سبک زندگی است، اما به چند تعریف اشاره می‌کنیم.

سبک زندگی، مجموعه‌ای نسبتاً هماهنگ از رفتارها و فعالیت‌های یک فرد معین در جریان زندگی روزمره است که مستلزم مجموعه‌ای از عادات و جهت‌گیری‌ها و بنابراین، برخوردار از نوعی وحدت است (گیدینز، ۱۳۸۸، ۱۲۱). آرو و ونزل^۵ در تعریفی از سبک زندگی، آن را الگوی ثابتی از رفتارها، عادات، نگرش‌ها و ارزش‌ها می‌دانند که ویژگی و خصوصیت گروه‌ها قلمداد می‌شود. شناخت سبک زندگی، یعنی تلاش برای درک تعاملات بین محیط، نظام‌ها و فرد که بر رشد و تکامل فرد تاثیر می‌گذارد (لئو^۶ و همکاران، ۱۹۹۸). سبک زندگی مجموعه‌ای نسبتاً منسجم از کلیه امور عینی و ذهنی زندگی فرد یا گروه است. این امور می‌تواند شامل عوامل اقتصادی (دارائی‌ها)، فرهنگی - اجتماعی (الگوهای رفتاری، روابط اجتماعی، سرگرمی) و... باشد که در زمان جاری بوده و در امور و رفتارهایی بیرونی و قابل مشاهده است. همچنین می‌تواند دربرگیرنده بینش‌ها و گرایش‌ها و... باشد که رفتارهایی درونی و ذهنی‌اند (Prince, 2017: 341).

1. Cambridge Dictionary
2. Evanse & Jackson
3. Bocock
4. Velichko Dobriyana
5. Aro & Wenzel
6. Leo

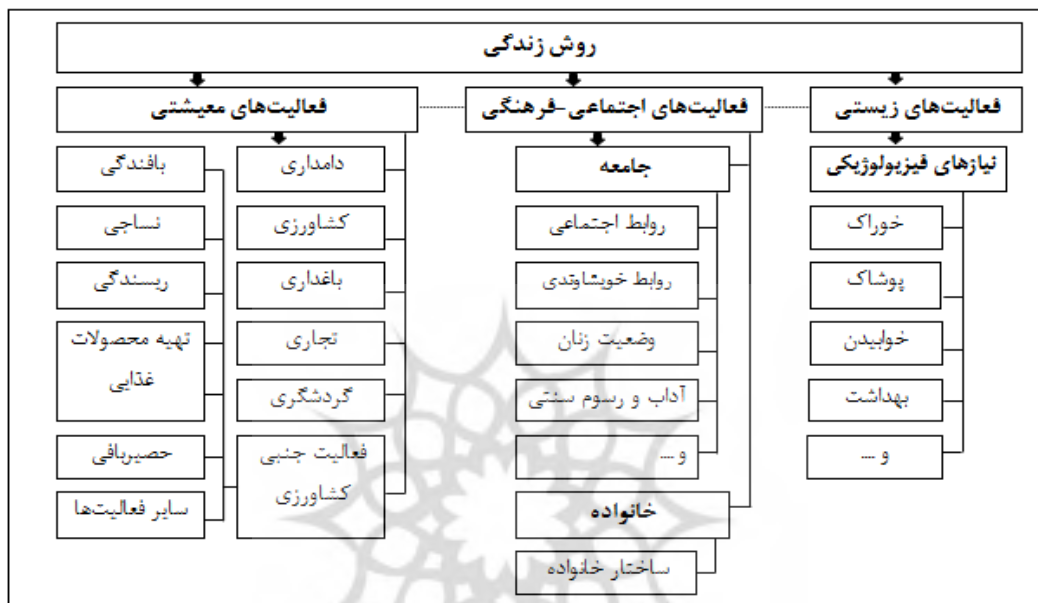
از میان متفکرانی که در رابطه با سبک زندگی و شیوه سکونت پرداخته‌اند می‌توان به چاپین و اسول، ابرین، بوردیو، سگالن، راپاپورت و توماس هجراب اشاره کرد. از نظر چاپین و اسول^۱، ابرین، سبک زندگی را در قالب محل زندگی، مشارکت محلی، نوع منزل با حیاط، گاراژ، کارگاه و... نوع مدرسه، محل تحصیل فرزندان معنا کرده است (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۵، ۹۱). از نظر پیر بوردیو^۲ سبک زندگی نظام کارهای طبقه‌بندی شده و طبقه‌کننده یا نشانه‌های متمایزکننده است که در قالب ریختار متمایزکننده فضا بازنمایی می‌شود (بوردیو، ۱۳۹۱، ۲۴). وی شیوه زندگی را در دارایی‌ها نظیر خانه و... و فعالیت‌های متمایزکننده نظیر نوع پوشش لباس، بازی‌ها و رسیدگی به ظاهر بدن تعریف کرده است. از سوی دیگر در نظر سگالن^۳ ارتباط سبک زندگی با خانه در تقسیم بندی فضاهای داخلی خانه و تقسیم بندی فضاهای خصوصی و عمومی در ارتباط است (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۵، ۵۰۸). توماس هجراب^۴ (۲۰۰۳) نیز به معرفی سه نوع شیوه زندگی می‌پردازد که شامل خود اشتغالی عدم جدایی بین کار و فضای خانه، دستمزد نان و پیشه حرفه‌ای در خانه بوده و این دسته‌بندی نشان می‌دهد که سطح درآمد، محل کار و سبک کار فردی، نیازها و اولویت‌های خانه را تغییر می‌دهد. محقق دیگری که فعالیت گسترده‌ای در رابطه با سبک زندگی و مسکن‌گزیدن انجام داده، پیتز برگر^۵ می‌باشد. از نظر برگر مدرن‌سازی زندگی ملازم رشد اقتصادی است و محرک آن تکنولوژی می‌باشد (گیدنز^۶، ۱۳۸۸، ۶۴). برای درک مولفه‌های شیوه زندگی در قالب‌های کلی، نظریه‌پردازان علوم اجتماعی عناوین متعددی را بیان نموده‌اند. برای پی بردن به مصداق‌های عینی سبک زندگی در شیوه سکونت نیازمند پاسخ به این پرسش‌ها هستیم که مردم چه فعالیتی را در خانه انجام می‌دهند؟ و این فعالیت‌ها را چگونه انجام می‌دهند؟ با تطبیق این فعالیت‌ها و مصاحبه‌ها، از عملکردهای روزانه زندگی ساکنین ابعاد شیوه زندگی را به سه دسته کلی تقسیم‌بندی نمودیم که هر یک به مولفه‌های متعددی بخش‌پذیر می‌باشند: ۱- فعالیت‌های زیستی، ۲- اجتماعی- فرهنگی، ۳- معیشتی.

فعالیت‌های زیستی در اصل جهت ارضای نیازهای زیستی و فیزیولوژیکی آدمی برای حیات خود هستند و بدین جهت بیشترین تأثیر را بر رفتار وی خواهند داشت، فعالیت‌های در ارتباط با خوردن، پوشیدن، خوابیدن، متناسب نگه داشتن کارکردهای جسمانی. فعالیت‌های فعالیت‌های اجتماعی- فرهنگی: انسان موجودی اجتماعی است و هنگامی که نیازهای اجتماعی اوج می‌گیرد، آدمی برای روابط معنی‌دار با دیگران، سخت می‌کوشد؛ این فعالیت‌ها می‌تواند فعالیت‌های مرتبط در سطح جامعه (روابط خویشاوندی، روابط اجتماعی و همسایگی، الگوهای جنسیتی، آداب و رسوم سنتی)، و یا در سطح خانواده (هسته‌ای، گسترده و...) باشد. فعالیت‌های معیشتی شامل آن دسته از فعالیت‌هاست که با حفظ یک منبع درآمد که به اقتصاد خانوار روستائی کمک کند. همچون زراعت، باغداری، دامداری، تجاری، گردشگری و فعالیت‌های جنبی کشاورزی^۷ (نمودار ۱).

1. Chapin & Swell
2. Bourdieu, Pierre
3. Segalen
4. Tomas Hojrup
5. Pitter Berger
6. Gidens, Antoni

۱- مجموعه فعالیت‌هایی که در جوار تولید کشاورزی و دامی به ایجاد کالا می‌انجامد فعالیت‌های جنبی کشاورزی خوانده می‌شود.

نوع فعالیت‌های انجام شده تأثیر زیادی بر سازمان فضایی خانه روستایی داشته است. سازمان فضایی، عبارت است از ترتیب و نظم واحدهای یک مجموعه مشخص و هدفمند و یا ترتیب و توزیع نظام‌یافته واحدهای یک مجموعه در فضا، در راستای عملکردهای عمومی مجموعه است. در حالت کلی بخش مسکونی در معماری روستایی اغلب بر گیرنده عرصه‌های ۱. دامی: فعالیت‌های خاص پرورش و نگهداری از دام و طیور و فضای وابسته، ۲. مسکونی و خدماتی: دربرگیرنده فعالیت‌هایی چون استراحت، غذا خوردن، خواب، پذیرایی، بافت و...، ۳. حیاط یا فضای باز: ارتباط دهنده میان عرصه‌های دو گانه دام و انسان.



نمودار ۱: مدل مفهومی شیوه زندگی در رابطه با مسکن روستایی

منبع: نگارندگان

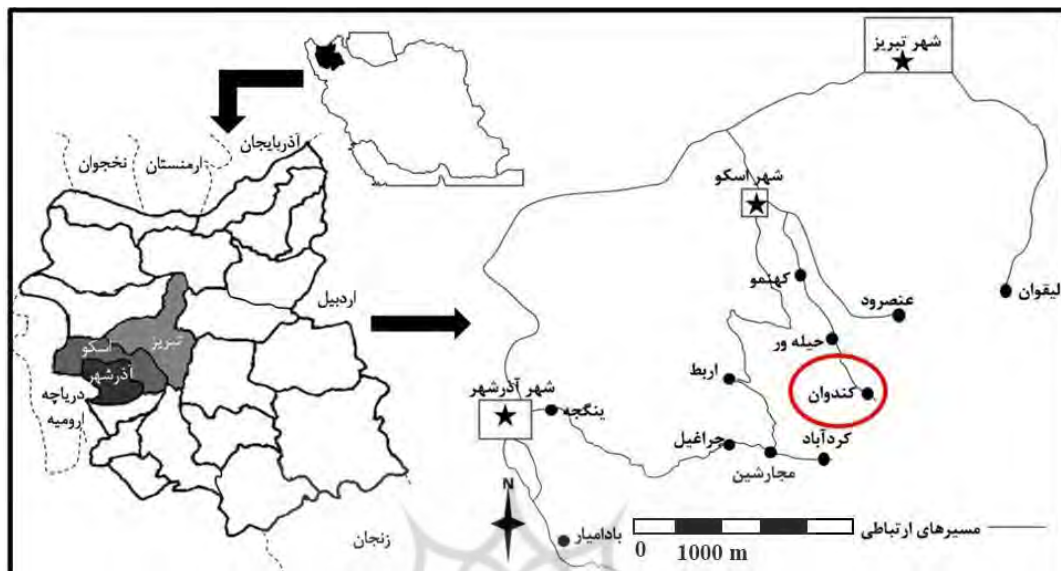
مواد و روش تحقیق

بسترشناسی پژوهش

روستای کندوان یکی از روستاهای معروف ایران و با برند جهانی است که از توابع شهرستان اسکو، دهستان سهند و بخش مرکزی است. (UNESCO, 2005) طبق آمار سال ۱۳۹۵ این روستا ۱۸۳ خانوار، ۱۰۰ کران مسکونی و جمعاً ۵۸۶ نفر جمعیت دارد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵)، (تصویر ۱). شکل‌گیری بافت اولیه روستا تحت تأثیر عوامل مختلف امنیتی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و عامل زمان و محیط طبیعی بوده است؛ مانند آیین مهرپرستی که عبادت در دل زمین را مقدس می‌شمارد. در زمینه اجتماعی نیز بحث ارباب-رعیتی می‌تواند طرح شود. در این نظام، زمین‌های مرغوب برای اربابان بوده و رعیت چاره‌ای جز اسکان در صخره‌ها نداشته‌اند (Stea & Turan, 1993:167). علاوه بر موارد گفته شده می‌توان عواملی مانند شرایط بد اقتصادی و عدم توانایی اهالی در ایجاد مسکن، حمله مغول، مقرون به صرفه بودن هزینه‌کنند نسبت را می‌توان از علل اولیه و عمده شکل‌گیری کندوان نامید (ورمازن، ۱۳۹۰: ۹۱؛ محمدی‌فر و ازندریانی، ۱۳۹۵: ۱۰۲ و همایون، ۱۳۵۶: ۱۸۷). بافت روستا به گونه‌ای است که در محور شمالی، کران-

۲- در زبان محلی، به خانه‌های صخره‌ای حاصل از کندن سنگ‌های کله قندی، کران می‌گویند

های دستکند و پایین آن، بخش توسعه جدید روستا است. شرق روستا متراکم‌تر و صخره‌های سمت غربی فرسوده شده است. بافت متمرکز و مزارع در حوالی روستا بخصوص جنوبی و روبروی بخش مسکونی قرار دارد (سامع سردرودی، ۱۳۸۳: ۲۷).



تصویر ۱: موقعیت جغرافیایی روستای کندوان (ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۷)

روش پژوهش

این مطالعه در دو بخش کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی انجام پذیرفته است. در بررسی کتابخانه‌ای از تحقیقات و تجارب تئوریک و مقالات موجود و در بررسی‌های میدانی از مشاهده میدانی، عکس و برداشت از فضاهای مختلف دستکند استفاده شده است. این مطالعه به روش تحقیق کیفی با رویکرد پدیدارشناسی انجام شده است که در آن ۲۰ زن و مرد با دامنه سنی ۸۰-۳۰ ساله مشارکت داشتند. غالب شرکت‌کنندگان سواد آکادمیکی نداشته یا تا مقطع زیر دیپلم بوده‌اند. به منظور جمع‌آوری اطلاعات چهار مرتبه به روستا مراجعه شد که مراتب رجوع در فصول پاییز، زمستان و بهار بوده است. در دور اول از مصاحبه بدون ساختار و عمیق استفاده شد. جهت درک سبک زندگی، سوالاتی از بومیان مطرح شد که حاوی دیدگاه‌ها و علایق معمارانه این بررسی می‌باشند. پاسخ‌ها گاه به شدت شخصی و خصوصی شده‌اند و گاه چندان به پرسش مورد نظر مربوط نیستند و ما نیز می‌پذیریم که قادر به طرح پرسش‌هایی دقیق‌تر نبودیم. به همین دلیل کوشیدیم تا مخرج مشترک پاسخ‌ها را گردآوری کرده تا نکات ویژه هر پاسخ را مطرح بسازیم. مدت مصاحبه حدوداً ۲۰۰ دقیقه بوده است. برای تضمین معتبر بودن، یافته‌های این مطالعه به شرکت‌کنندگان ارائه شد و آن‌ها نظرات خود را در مورد هماهنگی یافته‌ها با تجربیات خود به محققین ابراز نمودند.

یافته‌های پژوهش

کران‌های ستی

بررسی پاسخ‌های به دست آمده در خصوص پیمایش شیوه زندگی و تأثیر آن بر سازمان فضایی مسکن مورد مطالعه روستای کندوان نشان از آن دارد که معیشت نقش مهمی در شکل‌گیری و ترکیب فضایی کران‌ها داشته است. فضاهای زیستی قدیمی کندوان به صورت معماری صخره‌ای در جواب‌گویی به عملکردها شکل گرفته و به علت

محدودیت توسعه هرچند از ایجاد فضاهای اضافی و غیرقابل استفاده اجتناب گردیده است ولی با تقسیمات مناسب داخلی و ایجاد رف و سکوها ترتیبی به وجود آمده تا امکانات زیستی تأمین گردد. نوع معیشت، نحوه انجام، فعالیت‌های وابسته و ابزار تولید تأثیرات متفاوت و مهمی در شکل‌گیری فضاهای مورد نیاز در واحدهای مسکونی به‌جای می‌گذارند. بسته به نوع محصولات کشاورزی فضاهای خاصی از واحد مسکونی به‌نگهداری یا تبدیل و تغییر آن اختصاص می‌یابد. در مقابل اگر فعالیت غالب یک خانواده، دامداری باشد، محل‌نگهداری دام‌ها در تابستان (بهاربند) و زمستان (آغل یا طویله)، محل‌نگهداری انواع علوفه و ابزارآلات مربوط به دام‌ها، بخش شیردوشی و آبدهی حیوانات، جمع‌آوری انواع پهن نرم برای بسترسازی حیوانات در زمستان، مصارف گرمایش، پخت و موارد متعدد دیگر به‌صورت کاملاً عملکردی تعیین می‌گردد. این امر، بدون اینکه صرفاً به عرصه دام محدود شود، سایر فضاهای سکونت را نیز متأثر می‌سازد. به همین دلیل، می‌توان گفت تفاوت در فرم خانه‌ها ریشه در تمایزات شیوه زندگی و نظام تولیدی هر یک داشته و به مسکن بومی وجه اقتصادی می‌دهد. همچنین با توجه به معیشت اصلی کندوانی‌ها (دامداری و کشاورزی) ساخت عرصه دامی از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. به‌طور کلی آغل‌ها در دو تیپ خصوصی و عمومی ساخته می‌شدند، در آغل‌های خصوصی با وسعت زیاد در طبقه اول کران‌ها و یا در کران مجاور قرار می‌گرفته، در کنار دام از طیور نیز نگه‌داری می‌شده است. آغل‌های عمومی خارج از روستا و جهت نگهداری موقت دام‌هاست. در عرصه مسکونی نیز، برای تهیه و ذخیره انواع لبنیات، اتاقی بنام گزنه و نشیمن محل تولید صنایع دستی بوده است، اتاقی هم برای ریسندگی - با دستگاه نیمه‌صنعتی به نام جهره - در نظر گرفته می‌شد. جهت ذخیره محصولات نیز در گزنه فضاهایی به اسم کندو وجود داشت. البته از فضای آستانا (ورودی) نیز برای ذخیره سوخت مورد نیاز و گاه برای استحمام کودکان و سالخوردگان استفاده می‌شد. علاوه بر این فعالیت‌هایی نیز بیرون کران اتفاق می‌افتاد مثل فضایی برای جاجیم‌بافی در اتاقی سنگی، یا دودخانه برای خشکبار و فضایی برای تولید عسل (تصویر ۲).



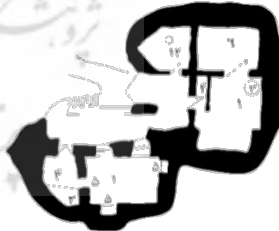
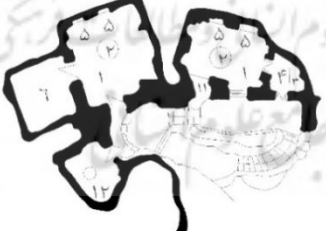
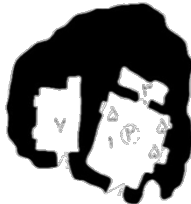
تصویر ۲: فضاهای داخل کران، الف- اتاق اصلی، ب: اتاق ریسندگی، ج: گزنه، د: آستانا

منبع: یافته‌های پژوهش

از نظر فرهنگی نیز می‌توان گفت، مجموعه منسجم کران‌های سنتی، ویژگی‌های فرهنگی اهالی را نشان می‌دهد. حفظ بنیان خانواده ملازم با حفظ پیشه اجدادی و بهره‌گیری از پتانسیل‌های محیطی (زمین‌های کشاورزی - مراتع) جهت معیشت بود که نسل به نسل از پدر به پسر منتقل می‌شد. مدیریت این امر که بر عهده پسران بود؛ منجر به اتحاد خانواده پدری، زندگی پدرسالاری و ایجاد خانواده گسترده شده بود که علاوه بر تحکیم پیوندهای خانوادگی، سبب حفظ ثروت خانواده می‌شد، فعالیت‌های جمعی چون نشستن دورهم خانوادگی یا پذیرایی از مهمانان و برگزاری آداب و رسوم سنتی در نشیمن اتفاق می‌افتاد. در برگزاری مراسم و آیین‌ها (عید فطر، نوروز و...) پرسش‌ها و پاسخ‌ها

بیشتر به سمت انعکاس فضایی برگزاری مراسم جهت گرفته و کمتر به چگونگی برگزاری آن توجه شده است، چنین مراسمی و همچنین اعمالی عبادی (چون قرائت نماز) نیز در این فضا انجام می‌پذیرفت (تصویر ۶ و جدول ۳). فعالیت‌های زیستی چون صرف غذا و چایی، خوابیدن والدین و فرزندان مجرد، انجام کارهای دوخت و دوز در نشیمن بوده است. این امر ارتباط دیداری و شنیداری اعضای خانواده را تقویت و احساس صمیمیت و باهم بودن را فراهم می‌کند. اتاق‌ها به خاطر مساحت کم فضای کران‌ها غالباً به‌طور مستقیم به هم مرتبط بودند. مهمان‌ها در اتاق اصلی پذیرایی می‌شده‌اند و برای خواب برحسب تعداد و دوری و نزدیکی خویشاوندی در نشیمن با سایر اعضای خانواده و یا در کرانی جدا (در صورت متمول بودن صاحب‌خانه) جا تدارک دیده می‌شد و یا از همسایگان تقاضا می‌شد تا کران‌ها به جهت خواب، زنانه - مردانه شوند. تفکیک فضای خواب از فضای صرف غذا وجود نداشت. غالباً مطبخی وجود نداشت و از تنور موجود در وسط نشیمن برای پخت‌وپز استفاده می‌شد و امکان خوردوخوراک در همین فضا (نشیمن) مهیا بود.

در صورت گسترده بودن خانواده‌ها نیز زندگی فرزندان متأهل با سایر اعضای خانواده در کنار هم و در صورت هسته‌ای بودن در کران مستقل بوده است. در چنین نظامی به دلیل کار دوشادوش بین زنان و مردان تفکیک‌های جنسیتی در کالبد خانه نمود پیدا نمی‌کرد. (تصویر ۳). امکان ایجاد تنوع عملکردی در یک اتاق زیاد بوده مثلاً اتاق ریسندگی در طول سال برای ریسیدن پشم استفاده می‌شد فضاهای دیگری که در خانه وجود داشت، اتاقی بنام گزنه که برای انبار و تولید محصولات دامی مورد استفاده قرار می‌گرفت. بام کران‌ها به خاطر کله‌قندی بودن طبعاً مورد استفاده نبوده اما بام فضای سنگی چون مسطح بوده‌اند، فضایی مستقل برای تحقق برخی از عملکردها چون خشک کردن میوه، پشم و تهیه قیسی و... را فراهم می‌آورده است. به دلیل مشغله بالا غالباً مفهوم اوقات فراغت برای بزرگسالان بسیار کم‌رنگ بوده و کودکان نیز در محوطه بیرونی بازی و تفریح می‌کرده‌اند. ساکنان این کران‌ها که غالباً با بعد خانوار ۵ نفر بوده‌اند، در این فضاهای کوچک استراحت و معاشرت می‌کرده‌اند.

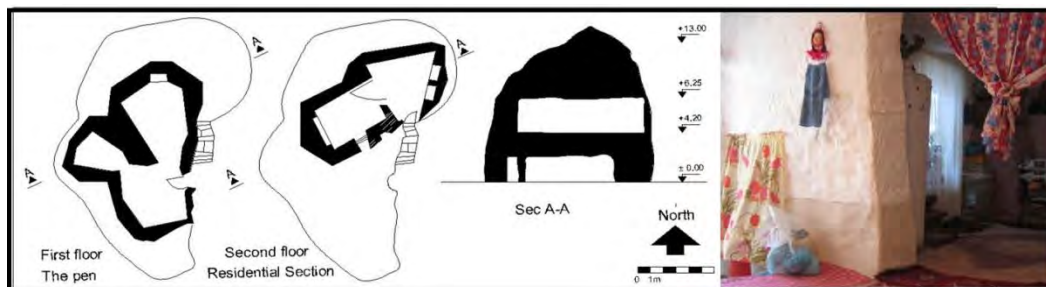
			
کران	نشیمن (۱)، تنورخانه (۲)؛ یوک بری (۳)، دهلیز (۴)؛ طاقچه (۵)، اتاق ریسندگی (۶)، انباری (گزنه) - (۷)، انبار بیرونی (۸)، آغل (۹)، آخور (۱۰)، تراس (۱۱)، مطبخ (۱۲)		

تصویر ۳: پلان کران‌های سنتی، پلان اول و دوم دارای دو واحد مجزا و پلان آخر تک‌واحدی

منبع: یافته‌های پژوهش

قطر دیوار در این کران‌ها بین ۲ تا ۳ متر است. لایه درونی دیوار و کف و سقف سنگ صخره‌ای و بدنه رویی آن از ملات خاک سفید محلی است. ابعاد پنجره‌ها به جهت رعایت مسائل اقلیمی - امنیتی، بسیار کوچک غالباً در حدود ۳۰ در ۳۰ سانتی‌متر، ارتفاع خانه‌ها ۲.۵ متر بوده است، لذا فضاهای داخلی کم‌نور می‌باشند. پشت‌بام کران‌ها را سنگی یکپارچه به وزن چندین تن تشکیل می‌دهد. خانه همسایگان طبقه بالایی قرار دارد که راه آن در ادامه پله‌های

ماریچی، از جلو در همسایگان پائینی گذشته و پس از حدود نیم دور به ورودی کران بالایی می‌رسد. حیاطی برای خانه‌ها وجود نداشته ولی در کنار آن چشم‌اندازی زیبا بر مجموعه‌ای از کله‌قندی‌ها قابل دسترسی بود (تصویر ۴).



تصویر ۴: عناصر معماری در فضای کران

منبع: مهندسین مشاور پدیده سامت، ۱۳۸۷

کران‌های سنتی معاصر سازی شده

مشاهدات و پاسخ‌ها روشن می‌سازد، کران‌های این گروه، به تاسی از معاصر شدن تغییراتی را پذیرفته و مابین مسکن سنتی و معاصر قرار گرفته‌اند. عواملی در ایجاد این دگرگونی نقش داشته‌اند که می‌توان در دو بخش بررسی کرد. بخش اول مربوط به ورود اولین امکانات زیرساختی به روستا می‌شود. بخش دوم، گسترش ارتباطات است که در کنار نتایج مثبت منجر به تغییرات فرهنگی منفی می‌شود. رشد تکنولوژی، گسترش رسانه‌ها (تلویزیون و شبکه‌های مجازی) و نمایش زندگی شهری، تأثیراتی در زندگی روزمره اهالی ایجاد می‌کند و رفتارهای اجتماعی و روابط آن شکل‌های جدیدتری به خود می‌گیرد. در رابطه با مؤلفه معیشت، بسیاری از فعالیت‌های سنتی مانند دوره قبل است اگرچه شغل اصلی برخی از مردم از کشاورزی و دامداری به شغل‌های خدماتی و تجاری (به جهت حضور گردشگران)، تغییر یافته است. عرصه مسکونی - خدماتی، در این کران‌ها اتاق ریسندگی به جهت ترک این فن توسط زنان روستا و همچنین گزنه که سابقاً محل تهیه و ذخیره لبنیات بوده به اتاق معمولی تغییر کارکرد داده است، چراکه اولاً امروزه لبنیات یا در حد نیاز تک خانواری تهیه می‌شود و یا در صورت تولید در مقیاس کلان، کارگاه‌هایی به این منظور وجود دارد. ثانیاً به جهت نیاز به تفکیک فضاهای خصوصی و عمومی نیاز به داشتن اتاق‌هایی جدا از نشیمن ضروری می‌نماید. بدین‌سان با توجه به تغییر نوع فعالیت، سبک زندگی و نوع فضاهای مسکونی نیز تغییر می‌یابد. کشاورزی، دامداری و شغل‌های مربوط به این پیشه‌ها کمرنگ‌تر شده و فعالیت‌های درآمدزا با رونق بازارهای محلی در عرصه صنایع دستی یا انجام کارهای خدماتی در راستای گردشگری و اجاره کران به گردشگران، تبدیل کران‌ها به نمایشگاه‌ها گاه در کنار سکونت توأمان، کاهش اراضی زیر کشت با اقداماتی چون تبدیل زمین‌های زراعی به کمپ گردشگری جایگزین شده‌اند. از نظر فرهنگی نیز می‌توان گفت، امروزه نیز فعالیت‌های جمعی چون نشستن دورهم خانوادگی یا پذیرایی از مهمانان و برگزاری آداب و رسوم سنتی چون چیدن سفره اعیاد در نشیمن اتفاق می‌افتد. ولی با نظر به تبدیل خانواده‌های گسترده به هسته‌ای، فعالیت و زندگی فرزندان متأهل در فضایی جدا است. به دلیل ورود امکانات، گسترش ارتباطات و بهبود وضعیت معیشتی و مواردی از این دست، حذف فضاهایی چون تنور و کندو و اضافه کردن سرویس بهداشتی، حمام و آشپزخانه از مداخلات کالبدی شاخص در این گروه از کران‌هاست. به خاطر کاهش فعالیت‌های معیشتی در کران‌ها و تبدیل شدن فضاهای چند عملکردی به تک عملکردی، توان انعطاف‌پذیری

کم شده است. ورود از بیرون به درون همچون سابق بدون مقدمه صورت می‌گیرد و غالب کران‌ها در کنار فضاهای خدماتی غالباً سه اتاق دیگر دارند (نشیمن، ریسندگی و گزنه سابق) و چنانچه بیان شد؛ برای زندگی، خواب و استراحت بکار می‌رود. غالباً زنان در مراکز بهداشتی زایمان و سپس در یکی از اتاق‌ها تحت مراقبت قرار می‌گیرند. ایجاد روزنه‌های بزرگ‌تر و استفاده از درب و پنجره غیرچوبی نیز از جمله تغییراتی است که ایجاد شده و البته به جهت حذف تنور و متعاقباً افزایش رطوبت در کران‌ها، کف بسیار از آن‌ها آسفالت شده ولی بدنه دیوارها، کف و سقف از سنگ صخره‌ای کران‌هاست. فرش، پستی و مظاهر مدرنیته چون وسایل برقی و بالأخص تلویزیون از مبلمان غالب خانه‌هاست اما در مواردی که از کران به‌عنوان سوئیت استفاده شود، از مبل و تخت خواب برای راحتی گردشگران استفاده می‌شود (تصویر ۵-۶). به جهت کوچک بودن فضای کران‌ها امکان برگزاری مراسمات پرجمعیت نیست و برای این کار از خانه‌های همسایه با متراژ بزرگ‌تر استفاده می‌شود به‌صورت زنانه- مردانه برگزار می‌شود. عرصه دامی نیز همچون سابق در کران‌های مجاور و یا اولین طبقه کران قرار دارد.



تصویر ۵: تبدیل کارکرد کران‌ها

منبع: یافته‌های پژوهش

			کران‌ها
<p>نشیمن (۱)؛ یوک بری (۳)، دهلیز (۴)؛ طاقچه (۵)، اتاق (۷)، انبار بیرونی (۸)، آغل (۱۰)، تراس (۱۱)، مطبخ (۱۲)، حمام (۱۳)، دستشویی (۱۴)</p>			راه‌نما

تصویر ۶: پلان کران‌های سنتی - معاصر، مأخذ: ۱-۳، گرجی و سنایی، ۱۳۸۸، پلان ۴-۵:

منبع: یافته‌های پژوهش

خانه‌های معاصر و نوساز

خانه‌های این گروه، با قدمت ۱۵ ساله بوده و کاملاً از تکنیک و مصالح ساخت‌وساز شهری تبعیت می‌کند. بر اساس

نتایج به دست آمده، غالب جوانان برای حفظ پیشه اجدادی به عنوان شغل‌های اصیل روستایی الزامی نمی‌بینند و ترجیحشان بر فعالیت‌های نوپا و تجاری از طریق فروش محصولات لبنی، صنایع دستی (اغلب این محصولات نیز وارداتی است)، گیاهان دارویی، ایجاد فضاهای نمایشگاهی در دل کران‌ها و تبدیل کران‌ها به سوئیتی برای گردشگران است. بر همین اساس در این روستا، افرادی، مسکن خود از کران به نوساز جایگزین کرده‌اند. نوسانات درآمدی و بالا بودن درآمد قشر خاصی از روستاییان در کنار تخریب بافت اقتصادی روستا موجب آسیب دیدن روابط اجتماعی و آسیب‌های کالبدی- فضایی روستا گردیده است. قدرت اقتصادی اجازه توسعه فضاهای نوساز بدون ضابطه را می‌دهد که در نهایت امر موجب به پدید آمدن کندوانی جدید با چهره‌ای ناهنجار می‌شود (پدیده صامت، ۱۳۸۶، ۸۵). البته، به دلیل تغییرات جمعیتی و تبدیل خانواده‌ها از گسترده به هسته‌ای ناگزیر از ساخت و ساز جدید هست که در این بین برخی خانه‌های نوساز تحت نظارت سازمان میراث فرهنگی، با مصالح سنگی بنا شده و پاره‌ای دیگر با آجر و بدون مجوز احداث شده‌اند. البته اخیراً برای کنترل ساخت و سازهای جدید، مبادرت به ایجاد روستای سرریز در فاصله ۴۰۰ متری روستای تاریخی کندوان شده است. افراد ساکن در این خانه‌ها، در صورت اهتمام به انجام کارهای دامداری و کشاورزی از کران‌هایی که به منظور انبار کنده شده‌اند، استفاده می‌کنند. در این خانه‌ها، فضاهای کالبدی تنها برای رفع نیازهای زیستی و فرهنگی می‌باشند و نیازهای معیشتی در بیرون خانه رفع می‌شود. داشتن حداکثر دو اتاق، آشپزخانه، حمام، توالی و استفاده از مصالح ساختمانی که عمدتاً در شهر موجود است؛ همچون آجر و سنگ از مشخصات این گروه است که این به تنهایی سبب افزایش سرمایه‌بری مسکن جدید در قیاس با کران-ها است. خانه‌های نوساز غالباً در متراژ ۲۵-۳۵ متری که غالباً فاقد حیاط بوده و در برخی نمونه‌ها، فضای باز واحدها به تراس کاهش می‌یابد. ورودی خانه حوزه تعریف شده‌ای ندارد، مرز بین فضاهای نیمه خصوصی و عمومی مشخص نبوده و فضاهای ورودی، پذیرایی و نشیمن تنها با تفکیک مبلمان و اشیاء از یکدیگر متمایز می‌گردند. در نهایت، با توصیف زندگی سالانه و روزانه در سه گروه از خانه‌های کندوان، ابعاد شیوه زندگی و ما به ازای کالبدی در دوره معاصر در جدول ۱ خلاصه گردید.

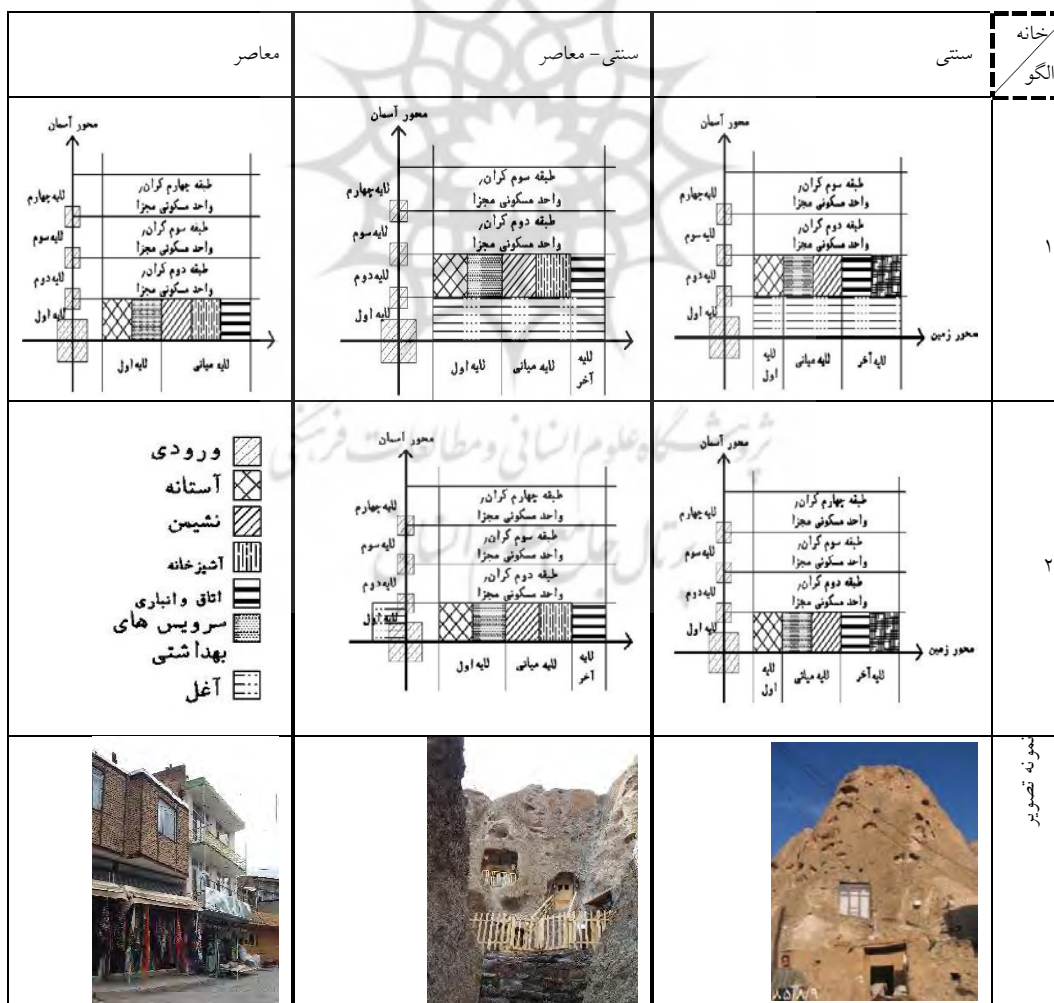
جدول ۱: تطبیق شیوه زندگی و کالبد خانه‌های روستای کندوان از دوره سنتی تا معاصر

شیوه زندگی	نام فضا	کران سنتی	کران سنتی - معاصر	نوساز
فضای زیستی	صرف غذا و چایی	نشیمن		
	والدین			
	فرزندان مجرد	نشیمن	نشیمن یا اتاق	
	فرزندان متأهل	نشیمن یا کران دیگر	کران دیگر	خانه‌ای جدا
	مهمان	نشیمن یا کران دیگر		
	بهداشت	آستانا + حمام+ WC (بیرون کران)	حمام+ WC (بیرون یا داخل کران)	حمام+ WC (داخل خانه)
	گذران اوقات فراغت	-	نشیمن (محل قرارگیری تلویزیون)	
	انجام کارهایی چون دوخت و دوز	نشیمن	نشیمن یا اتاق	
	پخت و پز	تنور	مطبخ	آشپزخانه
	گرمایش		- (از طریق بخاری)	
فضای اجتماعی	نشستن دور هم خانوادگی			
	پذیرایی از مهمانان	نشیمن		
	برگزاری مراسم اعیاد و جشن‌ها...			

			نشیمن + مسجد	انجام مناسک عبادی چون نماز
			نشیمن با اتاق	مطالعه
			نشیمن	تماشای تلویزیون
				خودکفایی؛ بافت صنایع دستی، لحاف و...
دورن کران	محل نگهداری غلات	کنده در گزنه	انباری	انباری (بیرون خانه)
	تولید و ذخیره محصولات لبنی	انبازها		
	محل ریسندهی	اتاق ریسندهی		
	محل نگهداری رخت	یوکیری	یوکیری یا اتاق	اتاق
	محل نگهداری غلوفه + ادوات کشاورزی	انباز غلوفه	انباز غلوفه	انبازی (بیرون خانه)
بیرون کران	محل تولید خشکبار	دودخانه + پشت بام	دودخانه	
	محل رنگرزی	تنور بیرونی		
	محل بافت جاجیم	اتاق بافت جاجیم		
	انباز سوخت	فضای باز + دهلیز		
	محل نگهداری حیوانات	آغل (کران مجاور یا طبقه پایین)	آغل (بیرون خانه)	

منبع: یافته‌های پژوهش

در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که آنچه در میان تمامی خانه‌های بررسی شده علی‌رغم تمامی تنوع و تمایزی که دارا بودند قابل استناد است به صورت زیر بوده است (تصویر ۷).



تصویر ۷: سیر تحول الگوی کالبدی مسکن در اثر تغییر سبک زندگی از سنتی تا معاصر

منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بررسی سبک زندگی در روستای کندوان بر اساس سه عامل معیشتی، زیستی و فرهنگی - اجتماعی نشان می‌دهد کالبد مساکن در گذر زمان از سنتی تا معاصر تغییرات عدیده‌ای پذیرفته است. در دوره سنتی معیشت نقش مهمی در شکل‌گیری و ترکیب فضایی خانه‌های روستا داشته و فضاهای زیستی قدیمی کندوان بصورت معماری صخره‌ای در جوابگویی به عملکردها شکل گرفته و به علت محدودیت توسعه هر چند از ایجاد فضاهای اضافی و غیرقابل استفاده اجتناب گردیده است ولی با تقسیمات مناسب داخلی تریبی بوجود آمده تا امکانات زیستی در دراز مدت تامین گردد. فعالیت‌های بسیاری اعم از معیشتی چون امور مربوط دامداری، کشاورزی، سایر کارهای خدماتی و همچنین فعالیت‌های زیستی و فرهنگی چون پخت و پز، مسائل بهداشتی، خورد و خواب، دور همی خانوادگی، امور مربوط به مهمان، برگزاری اعیاد و... در فضاهای کران (اتاق ریسندگی، گزنه (انباری)، نشیمن) به فعلیت رسیده است و فضاهای بهداشتی، آغل و پاره‌ای دیگر غالباً در بیرون کران‌ها قرار داشته است. اما همگام با موج معاصر شدن و تغییرات شیوه زندگی بنابر عللی چون تغییر نسل، تغییرات جمعیتی، افزایش ارتباطات، ارتقاء تکنولوژی، تغییر نیازهای عصر حاضر و علی‌الخصوص تغییر عمده درآمد از فعالیت‌های سنتی به گردشگری در خانه‌های دسته دوم (کران‌های سنتی - نوساز)، فضاهای معیشتی چون اتاق ریسندگی یا گزنه تبدیل به اتاق‌های معمولی برای فعالیت‌های زیستی شده و به جهت راحتی، فضاهای بهداشتی و مطبخ به کران‌ها اضافه شده است و با توجه به شهرت جهانی این روستا، فعالیت‌های مربوط به صنعت گردشگری مثل تبدیل خانه‌ها به مهمانسراها و مغازه‌های فروش صنایع - دستی و سوغاتی رونق پیدا کرده که همین امر به مرور منجر به موزه‌ای شدن کران‌ها و از بین رفتن زندگی سیال در آن‌ها شده است. دسته سوم نیز خانه‌هایی است نوساز که همراه با همین موج ساخته شده است. بررسی این خانه‌ها نشان می‌دهد فضاهای آن برای نیازهای زیستی جوابگو است ولی کلیه نیازهای معیشتی در خارج خانه انجام می‌گیرد. از نقطه نظر فرهنگی نیز می‌توان گفت این خانه سنخیت چندانی با رسوم و آداب محلی نداشته و آثاری از همخوانی با معماری بومی ندارد. در ادامه پاره‌ای از مهمترین تغییرات در سازمان فضایی خانه‌ها از سنتی تا معاصر ارائه می‌شود.

سبک زندگی از حالت کارکردگرایانه به منفعلانه تبدیل شده است. تعدد فعالیت‌ها در کران‌های سنتی، موجب شکل‌گیری تنوع فضایی و نام‌گذاری آن‌ها با توجه به عملکردهای مختلف هر فضا می‌شد. با محدود شدن فعالیت‌های خانه در دوره معاصر، کاهش مدت زمان اقامت در خانه در پی تغییر در نوع اشتغال و انتقال اغلب فعالیت‌های اجتماعی از داخل مسکن به فضای خارج از آن، خانه به مکانی برای انجام فعالیت‌های شخصی مبدل گشته و این امر سبب تبدیل اتاق‌های چندعملکردی به فضایی تک‌عملکردی شده است. با گذشت زمان مردم فعالیت‌های انجام شده در داخل کران‌ها را کاهش داده و به فعالیت‌های نوپا و پردرآمد روی آورده‌اند. انعطاف‌پذیری خانه‌ها نیز با دگرگونی‌های رخ داده، مفهوم خود را از دست داده است. ویژگی‌هایی که خانه‌های امروزی روستا به دلیل ساخت - وساز شهری و تکراری از آن بی‌بهره‌اند. این در حالی است که غالباً گردشگران برای دیدن معماری بومی و برای درک زندگی ساده و جذاب روستایی به سمت کندوان می‌آیند.

آنچه پیداست اینکه حفظ و نگهداری سیاق بومی روستا ممکن نیست و روستاها ناگزیر از تغییرات بوجود آمده هستند. باید پذیرفت که اگر در گذشته فعالیت‌های گوناگون خصوصا اقتصادی و معیشتی در دل فضاهای مسکونی روستاها به مثابه یک قانون نانوشته عمل می‌نمود، امروزه با توجه به موارد ذکر شده کم‌رنگ شده اما کنداون همواره دارای عملکردها و نقش‌های متنوع در زمینه تاریخی، گردشگری، فعالیتی و تجاری بوده و می‌تواند نقش پرنرنگی در هدایت و رهبری فعالیت‌های تجاری در سطح روستاهای منطقه داشته باشد، اما بخاطر آسیب‌های موجود، در حال از دست دادن نقش تولیدی خود می‌باشد. چنین مسائلی نشان می‌دهد، بکارگیری راهکارهایی برای احیاء و بازآفرینی سبک زندگی سنتی چنین روستاهایی یک ضرورت انکارناپذیر می‌باشد. بی‌تردید، نادیده انگاری این اصل در توسعه و یا سازماندهی فضاهای مسکونی می‌تواند به آشفتگی انسان و فضاهای مسکونی بیانجامد. بنابراین در راستای تثبیت مراکز روستایی و ایجاد کانون‌های تولید و درآمد، بازنگری در راهبردها و سیاست‌های توسعه و مسکن روستایی با تاکید بر پتانسیل‌ها و شرایط بومی و محلی و علایق ساکنین هرگز زود نخواهد بود. امروزه تولید بسیاری از محصولات همچون بافتنی‌ها و صنایع دستی جای خود را به واردات از استان‌های همسایه خصوصا همدان داده حتی می‌توان در کنار سفال‌های همدان، سفال رنگی چینی هم دید. این درحالی‌است که حجم ارزشمند تولید محصولات لبنی و صنایع دستی در کنداون و روستاهای مجاور ایجاب می‌کند که مراکز بزرگ تولید و عرضه در آن بخش به وجود آید. در کنار راه اندازی مجموعه‌های تولیدی و کارگاهی در گستره روستا، می‌توان بخشی از فعالیت‌های اقتصادی و معیشتی روستاییان را در دل فضاهای داخل مسکونی توسعه داد و بدین ترتیب با فعال نمودن اعضاء خانوارها و حتی همسایگان هزینه‌های مختلف تولید چون نیروی انسانی، تاسیسات و... را کاهش داد. حتی می‌توان از کران‌ها برای فضاهای فروش تولیدات کارگاه استفاده کرد که در کنار آن طراحی فضاهای تفریحی اعم از کافه، قهوه‌خانه و...، منظور نمود. بدین سان می‌توان ارتباط منطقی بین آموزش و تولید در کارگاه‌های محلی و بخش فروش و نمایش آن برقرار کرد. علاوه بر موارد ذکر شده، می‌دانیم ریش‌سفیدان از گذشته آگاه به مکان، زمان و شرایط بوده و باید بازآفرینی متناسب با مشارکت آن‌ها سوق داده شود. در این بین توجه به معماری بومی و بازآفرینی راهکارهای نظام سنتی ساخت‌وساز می‌تواند سبب موفقیت طرح‌های پیشنهادی می‌گردد.

منابع

- ابراهیمی، غلامرضا، سلطان‌زاده، حسین و شروین میرشاهزاده (۱۳۹۵)، تاثیر نوگرایی سبک زندگی در معماری خانه‌های دوره پهلوی اول؛ شهر همدان، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴۷: ۵۲۲-۵۰۵
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۹۲) تمایز، نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی، ترجمه حسن چاوشیان، نشر ثالث.
- سامع سردرودی، محمد (۱۳۸۳)، کندوان و معماری صخره‌ای آن، نشریه فرهنگ مردم، شماره ۱۰: ۳۲-۲۵.
- گرچی مله‌بانی، یوسف، سنائی، المیرا (۱۳۹۰)، معماری همساز با اقلیم روستای کندوان، فصلنامه مسکن و محیط روستا، دوره ۲۹، شماره ۱۲۹: ۱۹-۲.
- گیدینز، آنتونی (۱۳۸۸)، مدرنیته، زمان، مکان، ترجمه حامد حاجی زمانی، نشر اختران.
- محمدی‌فر، یعقوب، همتی‌ازندریانی، اسماعیل (۱۳۹۵)، مطالعه و بررسی معماری دستکند ایران، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۵۶: ۹۷-۱۱۰.

پوررمضان، عیسی؛ هاشمی زهی، سودابه؛ جوان، فرهاد؛ نعیم آبادی، نازنین (۱۳۹۶)، نقش هویت تاریخی اماکن گردشگری سیستان در توسعه اقتصادی نواحی روستایی (مورد مطالعه: روستاهای زهک)، فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)، ۲۹(۱)، ۳۱۲-۲۹۹.

مهندسین مشاور پدیده صامت (۱۳۸۷)، ساماندهی و حفاظت از روستاهای با ارزش (روستای تاریخی کندوان)، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.

ورمازن، مارتین (۱۳۹۰)، آیین میترا، ترجمه بزرگ نادرزاده، چاپ هشتم، تهران، انتشارات دهخدا

همایون، غلامعلی (۱۳۵۴)، روستای کندوان، بررسی‌های تاریخی، شماره ۱، سال ۱۲: ۲۱۶-۱۵۵.

- Bocock, R. (1992). "Consumption and Lifestyles". In Robert Bocock & Kenneth Thompson (Eds). *Social and Cultural Forms of Modernity*. Open University Press.
- Dana, L. -P. , Gurau, C. , & Lasch, F. (2014). Entrepreneurship, tourism and regional development: a tale of two villages. *Entrepreneurship & Regional Development*, 26(3-4), 357-374.
- Hojrup, T, (2003), *State, Culture and Life-Modes: The Foundations of Life-Mode Analysis*, Ashgate Pub Ltd.
- Lawrence, R, (1987), *Housing, Dwellings and Homes*, John Wiley & Sons Inc.
- Lawrence, R, (1995), *Deciphering Home: An Integrative*, Benjamin and Stea.
- Nair, V. , Munikrishnan, U. T. , Rajaratnam, S. D. , & King, N. (2015). Redefining rural tourism in Malaysia: A conceptual perspective. *Asia Pacific Journal of Tourism Research*, 20(3), 314-337.
- Stea ,D, Turan ,M. (1993). *Placemaking: Production of Built Environment in Two Cultures (Ethnoscapes)*, Aldershot, Hants, England; Brookfield, Vt. , USA: Avebury.
- UNESCO World Heritage Center; (2009); *Cultural Landscape*; <http://whc.unesco.org/en/culturallandscape1#/>; [visited on December 2017 ,28]
- Yang, J. , Ryan, C. , & Zhang, L. (2014). Sustaining culture and seeking a Just Destination: governments, power and tension—a life-cycle approach to analysing tourism development in an ethnic-inhabited scenic area in Xinjiang, China. *Journal of sustainable tourism*, 22(8), 1151-1174.
- Study of the effect of lifestyle on spatial organization of dwellings in tourist villages
- Prince, S. (2017). Craft-art in the Danish countryside: reconciling a lifestyle, livelihood and artistic career through rural tourism. *Journal of Tourism and Cultural Change*, 15(4), 339-358.